اقتصادکشاورزی و توسعه، سال هجدهم، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۹

ارزیابی اثر هزینه‌های مبادله بر دسترسی کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات در ایران

دکتر سیدصفدر حسینی*، دکترمحمد خالدی**، دکتر محمد قربانی***

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۸۸/۳/۲۶

چکیده

این مقاله با هدف ارزیابی اثر هزینه‌های مبادله بر دسترسی کشاورزان به بازارهای رسمی اعتبارات انجام گرفته است. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای به صورت تصادفی دومرحله‌ای از یک نمونه شامل ۴۵۹ نفر از روستاییان چهار استان خراسان، مازندران، آذربایجان شرقی و لرستان در سال ۱۳۸۴ جمع‌آوری گردیده است. پس از بررسی توصیفی نمونه، با استفاده از الگوی اقتصادسنجی لوجیت آثار عوامل مؤثر، به خصوص

* دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران e-mail: hosseini_safdar@yahoo.com

** فارغ‌التحصیل دوره دکترای اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
e-mail: m_khaledi2002@yahoo.com

*** دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد
e-mail:ghorbani@ferdowsi.um.ac.ir

اثر هزینه‌های مبادله، بر دسترسی کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات براورد و بررسی شده است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که نزدیکی به مراکز اعطای اعتبارات، اطلاع افراد از سیستم بانکی و مراکز اعتباری و همچنین عضویت در صندوقهای قرض‌الحسنه و تعاونیها، به عنوان شاخصی از هزینه‌های مبادله، احتمال دسترسی افراد به بازار رسمی اعتبارات را افزایش می‌دهد. نتایج نهایی مبین آن است که هزینه مبادله، به عنوان یک عامل مهم محدودکننده در دسترسی روستاییان به بازار رسمی اعتبارات، باید مورد توجه قرار گیرد.

طبقه‌بندی JEL: Q14،D1 ،C21 ،C8

کلیدواژه‌ها:

هزینه‌های مبادله، دسترسی به بازار رسمی اعتبارات، الگوی لوجیت

مقدمه

در سه دهۀ گذشته، مطالعات زیادی نشان داده است که مسئله دسترسی به خدمات مالی برای‌کاهش‌فقر روستایی و کاربرد فناوریهای جدید در توسعه کشاورزی در کشورهای درحال توسعه، یکی‌از دغدغه‌های‌اساسی‌و مهم کشاورزان بوده است(Cuevas and Graham, 1986). تجربۀ بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که مشکلات مالی کشاورزان کوچک و خرده‌پا و عدم دسترسی آنها به اعتبارات و دیگر خدمات مالی تنها با اجرای سیاستهای اعتباری هدفمند و معطوف به رهیافت بازار آزاد رفع نمی‌شود. در حالی که اصلاحات مالی بر رفع مشکلات و بهبود کارایی تأکید می‌ورزند، اما واقعیتهای نهادی و ساختاری مربوط به فضای کشاورزی مانند عدم بانک‌پذیری کشاورزان (ناآشنایی کشاورزان با فرهنگ اداری نهادهای مالی)، مسائل مالکیت اراضی، ضعف جدی در نهادینه شدن فرهنگ بانکداری و نبود اطلاعات متقارن، برخی از مشکلات اصلی دسترسی مؤثر کشاورزان به اعتبارات و خدمات بانکی تلقی‌می‌گردند

(Gamin, 1994). در این نوع کشورها دریافت وثیقه‌های سنگین، سهمیه‌بندی اعتبارات، توجه به مشتریان پردرآمد و اعطای وامهای کلان و نیز طولانی و دیوانسالارانه بودن فرایند دسترسی به تسهیلات در بخش رسمی همراه با مداخلات گسترده و ناکارامد دولت در فرایند تصمیمات، غالب کشاورزان روستایی را از دسترسی به خدمات نهادهای مالی رسمی محروم ساخته‌است. از سوی‌دیگر، قدرت‌انحصار و مطالبهٔ‌نرخهای سنگین سود در تأمین اعتبار از سوی بخش غیررسمی، کشاورزان را بامحدودیتهای‌جدی مالی‌مواجه ساخته است (Adams, 1995).

در سالهای اخیر، اقتصاد هزینهٔ مبادله، به عنوان مهمترین شاخهٔ اقتصاد نهادگرای جدید، نگرش نوینی را در تحلیل مسائل اقتصادی و سیاسی ارائه کرده است. بنا بر تعریف، هزینه‌های مبادله شامل کلیهٔ هزینه‌های آشکار و پنهانی است که در جریان یک مبادله به وجود می‌آید (North, 1989, 2000). اهمیت این هزینه‌ها به‌اندازه‌ای است که نورث معتقد است عملکرد کلی اقتصاد کشورها رابطهٔ مستقیمی با هزینه‌های مبادله دارد. اکثر شواهد اولیهٔ تجربی در مورد هزینه‌های مبادله در ارتباط با بازارهای مالی (اعتبارات) بوده است. هزینه‌های مبادله در بخش مالی و اعتباری شامل تمام هزینه‌ها غیر از سود وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان در جریان دریافت و پرداخت‌وام می‌باشد. براساس‌تعریف آدامز و وگل(Adams and Vogel, 1986)، هزینه‌های مبادله در بخش مالی و اعتباری شامل هزینه‌های آشکار و پنهان طرفین مبادلات مالی و اعتباری است.

بازارهای مالی روستایی کشورهای کم‌درآمد با دو مسئلهٔ اساسی مواجهند: اول اینکه اطلاعات کافی و لازم را برای دسترسی به بازار رسمی اعتبارات در اختیار کشاورزان نمی‌گذارند و دسترسی به اطلاعات در بازارهای مالی به صورت نامتقارن بین افراد توزیع شده و به صورت محدود و پرهزینه می‌باشد. دوم اینکه مبلغ وام درخواستی کشاورزان اندک است. بنابراین، هزینه‌های مبادلهٔ هر واحد وام نسبتاً بالاست. در آسیا یکی از مهمترین موانع دسترسی کشاورزان روستایی به اعتبارات رسمی هزینه‌های مبادله عنوان شده است (Izumida, 1993).

در مطالعات زیادی به این موضوع اشاره شده است که هزینه‌های مبادله یکی از عوامل عدم‌دسترسی‌فقرا و کشاورزان‌کوچک و متوسط به بازار اعتبارات می‌باشد (Olomola, 1999). به‌طورکلی،هزینه‌های‌مبادلهٔ‌وام‌گیرندگان‌ممکن‌است‌عاملی‌مهم‌ومحدودکننده‌برای‌وام‌گیرندگان کوچک و خرده‌پا در استفاده از وامهای رسمی تلقی گردد.

در ایران برای حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی، در چارچوب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه، میزان قابل‌توجهی از اعتبارات به صورت وام و یا وجوه اداره‌شده به آنان اختصاص می‌یابد. بانک کشاورزی که امروزه به عنوان اصلی‌ترین نهاد مالی و اعتباری بخش کشاورزی ایران شناخته می‌شود، نزدیک به ۷۰ درصد از اعتبارات مورد نیاز بخش کشاورزی را به منظور تأمین تسهیلات جاری مورد نیاز برای حفظ و بهره‌برداری از ظرفیتهای تولیدی بخش کشاورزی پرداخت می‌کند (حسینی و خالدی، ۱۳۸۴). نتایج تعدادی از تحقیقات در ایران نشان می‌دهد که بازارهای مالی در بخش کشاورزی دارای هزینه‌های مبادله نسبتاً بالا می‌باشند (حسینی و خالدی، ۱۳۸۴؛ رسول‌اف، سیفی و رشیدی، ۱۳۸۰؛ رشیدی، ۱۳۷۵؛ صدر و عرب‌مازار، ۱۳۷۳؛ عرب مازار، ۱۳۷۹ و نجفی، ۱۳۷۱). این هزینه‌ها منجر به افزایش نرخ سود واقعی وام می‌گردد و نتیجهٔ آن به صورت کارایی پایین مؤسسهٔ وام‌دهنده و کاهش بانک‌پذیری کشاورزان بروز می‌کند. بنابراین، هدف اصلی این مطالعه بررسی اثر هزینه‌های مبادله بر ورود کشاورزان به بازارهای رسمی اعتبارات و ارائه توصیه‌هایی برای دسترسی آسانتر مشتریان به منابع بانکی می‌باشد.

روش تحقیق

۱. الگوی ارزیابی اثر هزینه‌های مبادله بر ورود کشاورزان به بازار اعتبارات

در این بخش الگوی اقتصادسنجی مناسب برای براورد اثر هزینه‌های مبادله بر ورود کشاورزان به بازارهای اعتبارات معرفی می‌گردد. الگوهای اقتصادسنجی دارای متغیر وابستهٔ صفر و یک شامل سه الگوی احتمال خطی، لوجیت و پروبیت می‌باشند. همان طور که مادالا

(Maddala, 1992) بیان می‌کند، الگوهای اقتصادسنجی لوجیت و پروبیت نسبت به الگوی احتمال خطی ارجحیت دارند و برای براورد چنین الگوهایی مناسب می‌باشند. در مقاله حاضر برای براورد آثار هزینه‌های مبادله بر ورود کشاورزان به بازارهای مالی از الگوی اقتصادسنجی لوجیت استفاده شده است. در این الگو احتمال ورود کشاورز k به بازار اعتبارات رسمی تابعی است از عواملی که در اینجا ده مورد در نظر گرفته شده است؛ بنابراین:

$$P_k = f(Z_k) \qquad (۱)$$

$$Z_k = \alpha + \sum_{l=1}^{10} \beta_{lk} x_{lk} + u_k \qquad l = 1, 2, \cdots, 10$$

که در آن P_k احتمال ورود کشاورز k به بازار اعتبارات، Z_k استفاده یا عدم استفاده از تسهیلات (استفاده =۱ و عدم استفاده =۰)، α و βها پارامترهای معادله و x_l (l از ۱ تا ۱۰) مجموعهٔ متغیرهای مؤثر بر ورود کشاورزان به بازارهای مالی می‌باشد. این متغیرها عبارت از x_1 سن کشاورز (سال)، x_2 فاصله تا مرکز شهرستان (کیلومتر)، x_3 متغیر مجازی شغل اصلی کشاورز (کشاورزی=۱ و سایر =۰)، x_4 تعداد افراد خانواده، x_5 شاخص داراییها، x_6 متغیر مجازی آگاهی از نرخ بهرهٔ بانکی (بلی=۱ و خیر=۰)، x_7 متغیر مجازی آگاهی از حسابهای بانکی (بلی=۱ و خیر=۰)، x_8 متغیر مجازی آگاهی از تعداد خدمات بانکی (بلی=۱ و خیر=۰)، x_9 متغیر مجازی عضویت در صندوقهای قرض‌الحسنه (بلی=۱ و خیر=۰) و x_{10} متغیر مجازی عضویت در تعاونیها (بلی=۱ و خیر=۰) می‌باشند.

در الگوی لوجیت احتمال ورود کشاورزان به بازارهای مالی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$P_k = f(Z_k) = f\left(\alpha + \sum_{l=1}^{10} \beta_{lk} x_{lk}\right) = \frac{1}{1 + e^{-Z_k}} \qquad (۲)$$

و احتمال عدم ورود به بازارهای مالی از رابطهٔ زیر به دست می‌آید:

$$1 - P_k = \frac{1}{1 + e^{Z_k}} = \frac{1}{1 + e^{x_k' \beta_k}} \qquad (۳)$$

با گرفتن مشتق جزئی از رابطهٔ ۲ نسبت به هر یک از متغیرهای توضیحی، اثر نهایی آن متغیر بر احتمال ورود به بازار به دست می‌آید:

$$\frac{\partial P_k}{\partial x_{lk}} = \frac{\beta_l e^{-Z_k}}{\left(1+e^{-Z_k}\right)^2} \qquad (۴)$$

۲. داده‌ها و اطلاعات

اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این مطالعه از طریق نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای در سال ۱۳۸۴حاصل شده است. نحوهٔ انتخاب نمونه به این صورت می‌باشد که ابتدا چهار استان (شمال، جنوب، شرق و غرب) به صورت تصادفی و از بین ۱۱ استان کشور[۱] انتخاب شدند. استانهای انتخاب‌شده در این مرحله خراسان، مازندران، آذربایجان شرقی و لرستان بودند. در مرحلهٔ بعد تعدادی شهرستان از هر استان، چند بخش از هر شهرستان و در نهایت تعدادی روستا از هر بخش به شیوهٔ تصادفی ساده انتخاب شدند. آخرین مرحله، انتخاب تعدادی از کشاورزان و مصاحبه با آنان و تکمیل پرسشنامه بوده است. با توجه به انتخاب تصادفی کشاورزان، نمونهٔ این مطالعه شامل طیفهای متعددی از قراردادهای تسهیلات است که به صورت تصادفی انتخاب و ارزیابی شدند. حجم نمونهٔ مورد مطالعه با استفاده از جدول مورگان ۴۵۹ نفر تعیین گردید.

نتایج و بحث

در این بخش از مطالعه، اطلاعات مربوط به نمونه مورد مطالعه تجزیه و تحلیل می‌شود.

تقاضا برای تسهیلات

میزان تقاضا برای دریافت تسهیلات توسط تولیدکنندگان بخش کشاورزی را می‌توان به عنوان شاخصی از مقدار تقاضای بالقوهٔ تسهیلات در این بخش در نظر گرفت. براساس نتایج

۱. در تحقیقی که توسط رسول‌اف و همکارانش به منظور شناسایی سطوح نیازها و عوامل مؤثر در رضایت مشتریان بانک کشاورزی انجام گردیده است، کل استانهای کشور برمبنای ویژگیهای جغرافیایی، قومیت، نژاد و فرهنگ به ۱۱ استان و هر یک از استانها نیز به سه شهرستان محدود تقسیم شده‌اند (ر.ک. رسول‌اف و همکاران، ۱۳۸۰).

به‌دست‌آمده (جدول ۱)، ۶۷ درصد از کشاورزان نمونه (۳۰۹ کشاورز) طی سه سال گذشته درخواست تسهیلات نموده اما ۳۳ درصد آنان (۱۵۳ کشاورز) هیچ‌گونه درخواستی برای دریافت تسهیلات نداشته‌اند؛ یعنی ۶۷ درصد کشاورزان متقاضی بالقوهٔ تسهیلات بوده‌اند. در بین استانهای مورد مطالعه، استان مازندران و خراسان بالاترین درصد تقاضای بالقوهٔ تسهیلات (۷۳ و ۷۲ درصد) و استان آذربایجان شرقی کمترین تقاضای بالقوه (۵۴ درصد) را داشته‌اند.

جدول ۱. وضعیت تقاضای تسهیلات طی سه سال قبل از ۱۳۸٤

وضعیت تقاضای	کل کشور		خراسان		لرستان		مازندران		آذربایجان شرقی	
تسهیلات	فراوانی	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دارای تقاضا	۳۰۹	۶۷	۸۷	۷۲	۸۲	۶۸	۷۶	۷۳	۶۴	۵۴
عدم تقاضا	۱۵۳	۳۳	۳۳	۲۸	۳۸	۳۲	۲۸	۲۷	۵۴	۴۶
جمع	۴۶۲	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۰۴	۱۰۰	۱۱۸	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

دلایل عدم تقاضا برای تسهیلات

در جدول ۲ فراوانی پاسخ‌دهندگانی که به دلایل مختلفی تقاضایی برای تسهیلات نداشته‌اند، به تفکیک استان ارائه گردیده است. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول مذکور، پیچیده بودن فرایند تقاضا برای تسهیلات، تبعیض و رابطه‌بازی و کاغذبازی اداری در اعطای تسهیلات، به ترتیب با فراوانی ۱۲/۷، ۱۱/۷ و ۱۰/۴ درصد عمده‌ترین عوامل عدم تقاضا برای تسهیلات ذکر شده‌اند. از طرف دیگر عدم اطلاع از نحوهٔ سرمایه‌گذاری و بُعد مسافت، کمترین اهمیت را در رابطه با دلایل عدم درخواست تسهیلات به خود اختصاص داده‌اند. با وجود اختلاف فراوانی دلایل عدم تقاضا برای تسهیلات در بین استانهای مورد مطالعه، پیچیده بودن فرایند تقاضای تسهیلات، تبعیض و رابطه‌بازی و کاغذبازی اداری در اعطای تسهیلات از اهمیت بالایی در تمام استانها برخوردار می‌باشند.

برخی از دلایل ذکرشده در جدول ۲ مانند کافی بودن پول شخصی و دسترسی به تسهیلات شخصی، مبین عدم نیاز کشاورزان به تسهیلات می‌باشد. برخی از سؤالات (مانند ترس از عدم توانایی بازپرداخت اصل وام) نشاندهندهٔ ریسک‌گریزی کشاورزان و برخی سؤالات (مانند فقدان اطلاعات دربارهٔ سیاستهای تسهیلاتی) هزینهٔ جستجوی اطلاعات را در فرایند دریافت تسهیلات افزایش داده و به عنوان یک قلم از هزینه‌های مبادله تلقی می‌شود و از این رو، اهمیت هزینه‌های مبادله را برای ورود کشاورزان به بازارهای مالی مشخص می‌کند. به هر روی پیچیده بودن فرایند دریافت تسهیلات، تبعیض و رابطه‌بازی و کاغذبازی اداری در جریان اعطای تسهیلات از شاخصه‌های مهم هزینه‌های مبادله برای ورود کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات می‌باشند.

جدول ۲. دلایل عدم تقاضای تسهیلات توسط کشاورزان طی سه سال قبل از ۱۳۸٤ (درصد)

دلایل عدم تقاضای تسهیلات	کل کشور	خراسان	لرستان	مازندران	آذربایجان شرقی
عدم ارتباط با اشخاص مهم در جامعه شهری	۵/۳	۵	۹	۳/۸	۳/۷
قادر نبودن به خواندن و نوشتن	۳/۲	۵/۸	۲/۵	۱	۳/۷
کافی بودن پول شخصی	۸/۷	۷/۵	۳/۳	۴/۸	۱۶
دسترسی به تسهیلات شخصی	۴/۱	۵	۵/۷	۱/۹	۳/۷
پیچیدگی زیاد فرایند تقاضای تسهیلات	۱۲/۷	۹/۱	۹	۸/۶	۲۰/۳
فقدان اطلاعات مربوط ارائه تسهیلات	۵/۲	۲/۵	۴	۵/۷	۷/۴
ناتوانی در تقاضا برای تسهیلات	۵/۶	۴/۱	۶/۶	۵/۷	۵/۵
نداشتن دارایی کافی به عنوان وثیقه	۴/۲	۶/۶	۴/۱	۰/۰	۵/۵
ترس از ناتوانی در بازپرداخت اصل وام	۷/۵	۳/۳	۸/۲	۴/۸	۱۱/۱
ترس از ناتوانی در بازپرداخت سود وام	۷/۱	۳/۳	۷/۴	۳/۸	۱۱/۱
بالا بودن نرخ سود	۹/۵	۸/۳	۵/۷	۱۲/۵	۱۱/۱
ریسک بالای سرمایه‌گذاری در کشاورزی	۵/۶	۴/۱	۱۶	۲/۸	۰
ناآگاهی در چگونگی سرمایه‌گذاری	۲/۴	۱/۶	۰/۸	۲/۸	۳/۷
فاصله زیاد (دوری راه)	۲/۶	۵	۰/۸	۶/۷	۰
کوتاه بودن دوره بازپرداخت	۵/۹	۲/۵	۵/۷	۹/۶	۵/۵
تبعیض در پرداخت و رابطه‌بازی	۱۱/۷	۹/۱	۸/۲	۷/۷	۱۸/۵
کاغذ بازی اداری	۱۰/۴	۷/۵	۷/۴	۶/۷	۱۶/۶
سایر موارد (ذکر شود)	۱/۶	۱/۶	۱۶/۵	۱	۲۰/۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

منابع تقاضای تسهیلات

کشاورزان نیازهای اعتباری خود را از منابع مختلفی تقاضا نموده‌اند که در جدول ۳ بیان گردیده است. همان گونه که مشاهده می‌گردد، بانکها مهمترین منبع تقاضا برای دریافت تسهیلاتند. این موضوع برای تمام استانها مشابه است. پس از بانکها، صندوقهای قرض‌الحسنه و تعاونیها منابع اصلی تقاضا برای دریافت تسهیلات بوده‌اند. سایر منابع بخش ناچیزی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳. منابع مختلف برای تقاضای تسهیلات (درصد)

انواع منابع تأمین تسهیلات	کل کشور	خراسان	لرستان	مازندران	آذربایجان شرقی
بانکها	۷۲	۶۵	۸۰	۶۱	۸۵
صندوقهای قرض‌الحسنه	۱۶	۲۳	۷	۲۷	۴
تعاونیها	۸	۷	۱۲	۸	۷
سایر	۴	۵	۱	۴	۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پاسخ به تقاضا برای دریافت تسهیلات را می‌توان شاخصی از میزان پاسخ بخش عرضهٔ تسهیلات به تسهیلات مورد تقاضای تولیدکنندگان کشاورزی عنوان نمود. منابع مختلف عرضهٔ تسهیلات توانسته‌اند به حدود ۸۰ درصد از متقاضیان پاسخ مثبت بدهند. تأمین تسهیلات مورد نیاز کشاورزان در استان خراسان کمترین مقدار (۶۹ درصد) و در استان آذربایجان شرقی بیشترین مقدار (۹۰ درصد) بوده است. به نظر می‌رسد عرضهٔ تسهیلات مالی نتوانسته است پاسخگوی نیازهای مالی کشاورزان باشد؛ موضوعی که همواره از سوی نظام بانکی کشور در مخالفت با کاهش نرخ سود بانکی مطرح شده و بسیاری از تحقیقات آن را تأیید نموده است.

منابع ارائهٔ تسهیلات

کشاورزان تسهیلات خود را از منابع مختلفی دریافت نموده‌اند. نتایج به دست‌آمده در جدول ۴ ارائه گردیده است. سهم منابع مختلف در تأمین تسهیلات متقاضیان بخش کشاورزی

در جدول یادشده مشابه سهم این منابع در تقاضای کشاورزان می‌باشد. بانکها به طور متوسط ۷۵ درصد از تسهیلات مورد نیاز کشاورزان را تأمین نموده‌اند و پس از آن، صندوقهای قرض‌الحسنه (با ۱۶ درصد) و تعاونیها (با ۷ درصد) در رده‌های دوم و سوم قرار دارند.

جدول ٤. منابع مختلف تأمین تسهیلات (درصد)

انواع منابع تأمین تسهیلات	کل کشور	خراسان	لرستان	مازندران	آذربایجان شرقی
بانکها	۷۵	۶۲	۸۶	۶۵	۹۳
صندوقهای قرض‌الحسنه	۱۶	۲۴	۷	۲۶	۰
تعاونیها	۷	۹	۷	۸	۵
سایر	۲	۵	۰	۱	۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براورد آثار هزینه‌های مبادله بر دسترسی کشاورزان به اعتبارات رسمی

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، فرض بر این است که میزان هزینه‌های مبادلهٔ مربوط به فرایند دریافت تسهیلات بر ورود و خروج کشاورزان به بازارهای مالی تأثیرگذار است. اما با توجه به پنهان بودن هزینه‌های مبادله برای کسانی که در بازارهای مالی شرکت نکرده‌اند، برخی از متغیرهای تأثیرگذار بر هزینهٔ مبادله به عنوان شاخص هزینهٔ مبادله در الگو وارد شده‌اند تا تأثیر هزینه‌های مبادله بر ورود کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات مورد بررسی قرار گیرد. این متغیرها براساس مطالعات تجربی انجام‌گرفته در سایر کشورها و مطالعات داخلی و نیز بررسی وضعیت اعتبارت در کشور ساخته شده‌اند. قبل از ارائهٔ الگوی مورد نظر، مشخصات دریافت‌کنندگان تسهیلات و سایر افراد در جدول ۵ ارائه شده و با کل نمونه مورد مقایسه قرار گرفته است. ملاحظه می‌گردد که حجم کل نمونه شامل ۴۵۹ کشاورز می‌باشد که از این تعداد ۲۷۲ کشاورز از تسهیلات استفاده نموده و بقیه (یعنی ۱۸۷ کشاورز) استفاده نکرده‌اند.

جدول ۵. مقایسهٔ مشخصات کل نمونه، تسهیلات‌گیرندگان و سایر کشاورزان

ردیف	شرح متغیر	گروه		
		کل نمونه	تسهیلات‌گیرندگان	سایران
۱	تعداد کشاورزان	۴۵۹	۲۷۲	۱۸۷
۲	سن (سال)	۴۹	۴۸/۶	۴۹/۵
۳	تحصیلات (دیپلم و بالاتر=۱، سایر=۰)	۰/۴۹	۰/۵۲	۰/۴۴
۴	فاصله تا مرکز شهرستان (کیلومتر)	۲۸/۳	۲۳/۸	۳۴/۸
۵	شغل اصلی (کشاورزی=۱، سایر=۰)	۰/۵۸	۰/۶۱	۰/۵۳
۶	تعداد افراد خانواده	۴/۱۷	۴/۱۷	۴/۱۸
۷	شاخص داراییها	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۴۳
۸	آگاهی از نرخ سود بانکی (بلی=۱، خیر=۰)	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۰۸
۹	آگاهی از حسابهای بانکی (بلی=۱، خیر=۰)	۰/۳۲	۰/۳۹	۰/۲۲
۱۰	آگاهی از تعداد خدمات بانکی (بلی=۱، خیر=۰)	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۶۵
۱۱	عضویت در صندوقهای قرض‌الحسنه (بلی=۱،خیر=۰)	۰/۴۲	۰/۵۲	۰/۲۸
۱۲	عضویت در تعاونیها (بلی=۱، خیر=۰)	۰/۴۹	۰/۵۴	۰/۴۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج براورد الگوی اقتصادسنجی لوجیت برای تعیین آثار عوامل مؤثر بر ورود کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات در جدول ۶ مشاهده می‌گردد. متغیر وابسته در این الگو استفاده یا عدم استفاده از تسهیلات می‌باشد. آماره‌های ارائه شده در پایین جدول نشاندهنده آن است که متغیرهای توضیحی توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته را در حد نسبتاً مناسبی توضیح دهند.

جدول ٦. نتایج براورد الگوی اثر هزینه‌های مبادله بر ورود کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات

ردیف	شرح متغیر	ضریب	آمارهٔ t
۱	سن (سال)	۰/۰۰۱	-۰/۱۹
۲	فاصله تا مرکز شهرستان (کیلومتر)	-۰/۰۲**	-۳/۵۶
۳	شغل اصلی (کشاورزی=۱، سایر=۰)	۰/۱۷	۰/۷۹
۴	تعداد افراد خانواده	۰/۰۴	۰/۷۶
۵	شاخص داراییها	-۰/۴۶	-۰/۹۸
۶	آگاهی از نرخ سود بانکی (بلی=۱، خیر=۰)	۰/۳۵	۱/۰۰
۷	آگاهی از حسابهای بانکی (بلی=۱، خیر=۰)	۰/۵۰*	۱/۹۸
۸	آگاهی از تعداد خدمات بانکی	۰/۲۱*	۱/۸۶
۹	عضویت در صندوقهای قرض‌الحسنه (بلی=۱، خیر=۰)	۰/۷۶**	۳/۴۹
۱۰	عضویت در تعاونیها (بلی=۱، خیر=۰)	۰/۵۲**	۲/۳۵
۱۱	ضریب ثابت	-۰/۰۳	-۰/۰۶
	R^2 MADDALA	۰/۱۴	
	R^2 MCFADDEN	۰/۱۱	
	متغیر وابسته	ورود کشاورزان به بازار مالی (ورود =۱، عدم ورود =۰)	

مأخذ: یافته‌های تحقیق ** و * به ترتیب معنیداری در سطح ۱٪ و ۵٪

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که آگاهی افراد در مورد سیستم بانکی (آگاهی از حسابهای بانکی و آگاهی از تعداد خدمات بانکی) و همچنین عضویت در صندوقهای قرض‌الحسنه و تعاونیها احتمال ورود افراد به بازار رسمی اعتبارات را افزایش می‌دهد. همان‌گونه که پیشتر دیده شد، متغیرهای فوق را می‌توان به عنوان عوامل کاهندهٔ هزینه‌های مبادلهٔ دریافت تسهیلات در نظر گرفت. به عبارت دیگر، کاهش هزینه‌های مبادله می‌تواند ورود به بازارهای مالی را تسهیل کند.

براساس نتایج به‌دست آمده، فاصلهٔ تسهیلات‌گیرنده تا مرکز شهرستان به عنوان شاخصی از فاصلهٔ فرد تا مؤسسات تسهیلات‌دهنده، از عوامل دیگری است که بر ورود کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات اثر منفی گذاشته است. هر چه فاصله افراد از مراکز

تأمین‌کننده اعتبارات بیشتر باشد، هزینه‌های مسافرت و نیز هزینه فرصت آنها برای دریافت تسهیلات افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، هزینه مبادله برای این افراد بیشتر خواهد بود. بنابراین، دوری کشاورزان از مراکز تأمین کننده اعتبارات هزینه‌های مبادله آنان را افزایش داده و منجر به کاهش ورود آنان به بازار رسمی اعتبارات شده است. با توجه به این نتیجه، گسترش شعب بانکی در نقاط روستایی امکان بهره‌برداری و استفادهٔ کشاورزان از تسهیلات را افزایش می‌دهد و به توسعهٔ بخش کشاورزی کمک می‌کند. شاید یکی از راهکارهای ضروری برای حمایت دولت، تأمین اعتبار برای تأسیس شعب (به‌ویژه در مورد بانک کشاورزی) در شهرهای کوچک و روستاهای کشور باشد. بررسی آثار متغیرهای فردی مانند سن و شاخص دارایی و نیز متغیرهای شغل اصلی افراد و تعداد خانوار بر دسترسی افراد به بازار رسمی اعتبارات بدون معنی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بررسی نمونه مورد مطالعه نشان می دهد که ۶۷ درصد از کشاورزان نمونه طی سه سال گذشته درخواست تسهیلات نموده اما ۳۳ درصد آنان هیچ گونه درخواستی برای دریافت تسهیلات نداشته‌اند؛ یعنی ۶۷ درصد کشاورزان متقاضی بالقوهٔ تسهیلات می‌باشند. منابع مالی تنها توانسته‌اند به حدود ۸۰ درصد از متقاضیان پاسخ مثبت بدهند. نظرسنجی از افراد نشان می‌دهد که پیچیده بودن فرایند دریافت تسهیلات، تبعیض و رابطه‌بازی و کاغذبازی اداری در جریان اعطای تسهیلات از عوامل اصلی عدم درخواست اعتبارات توسط خانوارهای روستایی ذکر شده‌اند. این عوامل رابطه مستقیمی با هزینه‌های مبادله ورود به بازار رسمی اعتبارات دارند.

بررسی عوامل مؤثر بر دسترسی کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات نشان داد که فاصله تا مراکز اعطای اعتبارات، آگاهی افراد و همچنین عضویت در نهادهای مالی و اعتباری، به عنوان شاخصهایی از هزینه‌های مبادله، بر دسترسی افراد به بازار رسمی اعتبارات تأثیر دارند. در نتیجه کاهش هزینه‌های مبادله از طریق اطلاع رسانی و گسترش شعب بانکی می تواند امکان استفاده روستاییان از منابع بانکی را افزایش دهد.

همان‌گونه که اشاره شد، هزینه‌های مبادله از دو طریق عدم تقاضای تسهیلات و عدم امکان دریافت تسهیلات (برای متقاضیان تسهیلات)، مانعی عمده در جهت دسترسی کشاورزان به منابع مالی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه عامل اصلی بالا بودن هزینه‌های مبادله ضعف نهادی، هم در نهادهای رسمی (قوانین، مقررات و سازمانها) و هم در نهادهای غیررسمی (آداب، رسوم و سنتها) می‌باشد، لذا نهادسازی مناسب برای کاهش هزینه‌های مبادله ضروری به‌نظر می‌رسد. با توجه به نتایج این مطالعه، برای بهبود دسترسی کشاورزان به منابع مالی، این نهادها باید بتوانند به سمت تسهیل نمودن فرایند اعطای تسهیلات، کاهش تبعیض، رابطه‌بازی و کاغذبازی اداری در جریان اعطای تسهیلات، افزایش اطلاع‌رسانی به متقاضیان تسهیلات، کاهش مسافت زمانی و مکانی بین متقاضیان تسهیلات و مراکز مالی گام بردارند.

منابع

۱.حسینی، س. ص. و م. خالدی (۱۳۸۴)، ارزیابی هزینه مبادله تأمین اعتبارات کشاورزی (مطالعه موردی: تولیدکنندگان برنج استان مازندران)، مجله علمی پژوهشی *علوم و صنایع غذایی ایران*، شماره ۵۷.

۲.رسول‌اف، ج.، م. سیفی، و د. رشیدی (۱۳۸۰)، شناسایی سطوح نیازها و عوامل مؤثر در رضایت مشتریان: پیش‌نیازی برای اصلاحات ساختاری در نظام بانکی، مجموعه خلاصه طرح‌های تحقیقاتی بانک کشاورزی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

۳.رشیدی، د. (۱۳۷۵)، براورد هزینه تمام‌شده تسهیلات اعطایی از دیدگاه مشتریان بانک کشاورزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت علوم بانکی، مؤسسه بانکداری ایران، بانک مرکزی.

۴.صدر، س. ک. و ع. عرب‌مازار (۱۳۷۳)، افزایش کارایی در عرضه وجوه خدمات بانکی، بانک کشاورزی، مجموعه خلاصه طرح‌های تحقیقاتی بانک کشاورزی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

۵.عرب مازار، ع. (۱۳۷۹)، بررسی عرضه و تقاضای تسهیلات در بازار مالی روستایی ایران، مجموعه خلاصه طرح‌های تحقیقاتی بانک کشاورزی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

۶.نجفی، ب. (۱۳۷۱)، بررسی برخی اثرات اعطای اعتبارات کشاورزی در استان فارس، گزارش طرح پژوهشی، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.

7.Adams, D. W. (1995), Transaction costs in decentralized rural financial markets, In Umali-Deininger D. and C. Maguire (eds.): Agriculture in Liberalizing Economies: Changing Roles for Governments, 249-65, Washington D.C, World Bank.

8.Adams, D. W. and R. C. Vogel (1986), Rural financial markets in low income countries: recent controversies and lessons, *World Development*, 14(4): 477-487.

9.Cuevas, C. E. and D. H. Graham (1986), Rationing agricultural credit in developing countries: the role and determinants of transaction costs for borrowers, In Maunder, A. and A. Renborg, (eds.): Agriculture in a Turbulent World Economy, Hampshire: Grower Publishers.

10.Gamin, H. (1994), Rural credit markets and institutional reforms in developing countries: potentials and problems, Savings and Development, 18(2): 169-191.

11.Izumida, Y. (1993), Nature of transaction costs in rural credit delivery systems, transaction costs of farm credit in Asia, Report of an APO Seminar, 30th November- 10th December, Tokyo, Japan.

12.Maddala, G. S. (1992), Limited-Dependent and qualitative variables in econometrics, Econometric Society Monograph, No. 3, Cambridge: Cambridge University Press.

13.North, D. C. (1989), Institutions and economic growth: an historical introduction, *World Development,* 17(9): 1319-1332.

14.North, D.C. (2000), Revolution in economics, In Menard, C. (ed.): Institutions, Contracts and Organizations: Perspectives from New Institutional Economics, Cheltenham: Edward Elgar.

15.Olomola, A. S. (1999), Determinants of smallholders' transaction cost of procuring non-bank loans in Nigeria, *Savings and Development*, 23(1): 95-108.